

مسئولیت کیفری مطلق در جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی

حانیه خصالی^۱

دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۱ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۶

چکیده

«جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی» جزء، جرایم مهم تلقی می‌شوند. این گونه جرایم، قربانیان گسترده‌ای دارند. همچنین با توجه به حجم بالای بزهکاران که در اکثر موارد قابل شناسایی نیستند، مبارزه کیفری با آن‌ها، دشوارتر می‌کند، اغلب خسارات وارد شده از جانب مرتکبان آن، غیر قابل جبران می‌باشد و دولت‌ها، توان جبران خسارات را نیز ندارند. با توجه به این‌که بزهکاران اصلی در پشت مباشران این جرایم مخفی می‌شوند، لازم است برای مرتکبان اصلی، مسئولیت کیفری مطلق پیش بینی شود.

این پژوهش بر آن است که وجود مسئولیت کیفری مطلق در جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی در نظام حقوقی ایران هویدا شود. به همین دلیل به گردآوری

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی پردیس فارابی دانشگاه تهران.

مطالب با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی اقدام شد. پژوهش با بیان تعریفی مختصر از مسئولیت کیفری مطلق آغاز گشت؛ هر چند این بحث دارای جنبه عملی نبود؛ در ادامه به بررسی معیارهای مسئولیت مطلق و دلایل موافقان آن و جلوه‌ها و چالش‌ها پرداخته و در پایان مسئولیت کیفری مطلق دولت در جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی مورد مطالعه قرار گرفت، تا از این رهگذر به برخی از مشکلات اشاره گردد و به صورت اجمالی به ضعف آن پرداخته شود.

واژگاہ کلیدی: مسئولیت کیفری مطلق، عوامل تهدیدکننده بهداشت عمومی،

جرم، تقصیر، معیارها.

مقدمه

امروزه حقوق‌دانان جرایم را به دو دسته تقسیم می‌کنند: «جرایم واقعی»^۱ یا ذاتاً بد^۲ و «جرایم انضباطی»^۳ یا خطرات ممنوعه.^۴ جرایم واقعی به آن دسته از رفتارها اطلاق می‌شود که هرکس آن را از نظر ذاتی و اخلاقی قابل سرزنش می‌داند؛ مثل قتل، سرقت و جرایمی که در آن خشونت به کار می‌رود. جرایم قراردادی یا انضباطی که به آنها جرایم مربوط به «رفاه عمومی»^۵ نیز گفته می‌شود با هدف تنظیم برخی از فعالیت‌های مربوط به امور تجاری، فعالیت‌هایی که خطر بالقوه برای سلامت، بهداشت، امنیت و رفاه عمومی ایجاد می‌کنند و به طور کلی نسبت به فعالیت‌هایی که افراد جامعه در اجرا یا عدم اجرای آنها اختیار دارند، ایجاد می‌شوند. برای نمونه، می‌توان نظارت بر تولید و فروش غذا، سلامت و امنیت شغلی، آلودگی آب و هوا، مقررات راهنمایی و رانندگی را نام برد که در دسته دوم قرار می‌گیرند.

در پرونده‌های مربوط به جبران خسارت ناشی از به کارگیری محصولات و مصنوعات جدید صنعتی، نخست، معیار مسئولیت، از مسئولیت مبتنی بر تقصیر، به

۱. Real Crimes

۲. Mala in se

۳. Regulatory Offences

۴. Mala Prohibita

۵. Public welfare offences

مسئولیت مطلق یا مسئولیت مبتنی بر فرض تقصیر، تغییر یافت. در اینجا علت تقصیر تولیدکننده کالا در ایجاد خسارت مربوط به استفاده از آن مفروض بود؛ اما تولیدکننده می‌توانست با اثبات عدم تقصیر خود و قصور مصرف‌کننده، خود را از مسئولیت برهانند؛ اما در خصوص کالاهای بسیار خطرناک که به طوعمرمه با سلامتی انسان در ارتباط بودند، این معیار پاسخگو نبود؛ لذا معیار مسئولیت مطلق یا عینی به وجود آمد، تا صرف نظر از تحقق یا عدم تحقق تقصیر، تولیدکننده، مسئول خسارات مربوط به استفاده از آن کالاهای بالقوه خطرناک تلقی شود و حتی با اثبات عدم تقصیر خود و یا اثبات قصور مصرف‌کننده نیز، نتواند از مسئولیت جبران خسارت رهایی یابد. هنگامی که جامعه صنعتی، تنها ضمانت اجراهای مدنی را کافی یا توانا ندید، جرایم مادی یا با مسئولیت مادی و جرایم صرفاً مادی یا جرایم با مسئولیت مطلق را وضع کرد. با توجه به اینکه مجازات چنین جرایمی، نوعاً جبران خسارت و پرداخت غرامت می‌باشد، به نظرمی رسد هدف از این جرم‌انگاری، پیشگیری از وقوع حوادث زیانبار برای اشخاص، جامعه و محیط زیست بوده است. بنابراین، برای این که جرایم «مسئولیت مطلق» بر فعالیت‌های هدفمند تمایل پیدا کنند، اغلب با عنوان نظامات، مانند جرایم انضباطی، توصیف شده‌اند و به طور کلی، به جامعه خسارت وارد می‌کنند. آلودگی محیط زیست، فروش و پخش غیرمجاز دارو و همچنین جرایم راهنمایی و رانندگی از این گونه جرایم‌اند.

البته قانون‌گذار می‌توانست در بعضی از جرایم که با سوء نیت و قصد همراهند، بدون رجوع به مسئولیت مطلق تشخیص جرم بدهد؛ ولی اثبات این امر ممکن بود هزینه بر و وقت‌گیر باشد؛ در نتیجه مقام تعقیب فقط به اثبات رکن مادی ملزم شده است. اما در ارتباط با یک یا بیش از یک عنصر مادی، برای اثبات رکن معنوی نیازی

مسئولیت کیفری مطلق در جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی ◇ ۹۷

وجود ندارد. علاوه بر این، استفاده از حقوق کیفری در زمینه جرایم تصنعی (ساختگی) یا قراردادی می‌تواند بازدارندگی بالایی داشته باشد و به نحو قابل ملاحظه‌ای بر خودداری از ارتکاب رفتار مورد بحث و منفعت عمومی جامعه موثر واقع شود (Stanton, ۲۰۰۷: ۱۵۳).

البته به نظر می‌رسد، این فرض، در ایجاد مسئولیت مطلق رد شود و نتواند از علل به وجود آورنده مسئولیت مطلق باشد؛ زیرا بازدارندگی در صورتی تاثیر خواهد داشت که فرد عمل را با سوء نیت انجام داده باشد و مجازات موجبات بازدارندگی فرد یا دیگران را فراهم کند؛ حال آن‌که در مسئولیت مطلق سوء نیتی وجود ندارد و در میزان مجازات، میان مرتکب با سوء نیت و بدون سوء نیت هیچ تفاوتی وجود ندارد. بنابراین، علاوه بر موضوع نتیجه‌گرایی، عوامل دیگری را می‌توان در ایجاد مسئولیت مطلق توجیه نمود؛ ولی واقعیت این است که هر رفتار خارج از نِرم و هنجار می‌تواند برای عموم یا قشرهای مختلف جامعه خطرها و خسارت‌هایی را ایجاد کند. از این رو، خود جامعه نسبت به این گونه رفتارها واکنش نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد افراد جامعه به خاطر قراردادی بودن جرایم مسئولیت مطلق، در نوع واکنش و نحوه اثبات این گونه جرایم، با قانون‌گذار هم عقیده بوده و به طور ضمنی اجازه جرم‌انگاری آن را به قانون‌گذار داده‌اند که این امر موجب شده جرایم مسئولیت مطلق در تصویب قوانین اخیر پیشرفت زیادی داشته باشند. مطابق نظر حقوق‌دانان ایران، در مقررات کیفری قبل از انقلاب، یکی از مصادیق مهم و محسوس مسئولیت کیفری بدون تقصیر یا مطلق، جرایم خلافی بود. به عبارت دیگر، حقوق‌دانان در تقسیم‌بندی جرایم از حیث نوع و نقش عنصر روانی، آن‌ها را به سه دسته عمدی، خطایی و مادی تقسیم و تفکیک و جرایم خلافی را به‌عنوان جرایم

مادی تلقی کرده‌اند. از این دیدگاه جرایم مادی، جرایمی هستند که به صرف تحقق اراده انسانی و بدون در نظر گرفتن قصد مجرمانه تشکیل می‌شوند (عبداللهی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹).

جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی، دارای مصادیق فراوانی است که برخی از این مصادیق، دارای قبح بیش‌تر و برخی دارای قبح کم‌تری هستند.

با این‌که امروزه تمام کشورها اصل شخصی بودن مسئولیت را پذیرفته‌اند؛ پیچیدگی و تنوع روابط اجتماعی و اقتصادی در جهان حکم می‌کند که در برخی موارد و به طور استثنایی، مسئولیت کیفری را بیش از قلمرو اصل پذیرفته شده مزبور در نظر گرفت و دامنه آن را مشمول افرادی نیز دانست که هر چند مرتکب فعل مادی زیان‌بار نشده‌اند؛ سبب اصلی ارتکاب بوده و یا به نحوی از انحا در ارتکاب آن دخیل بوده‌اند (آموزگار، ۱۳۸۵، ص ۷۴).

در قوانین مختلف ایران، اقدامات علیه بهداشت عمومی، قوانین متعددی پیش از قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ وجود داشته و این جرم دارای پیشینه می‌باشد. از جمله قوانینی که جرم مزبور را در خود پیش‌بینی نموده‌اند، می‌توان به «قانون حفاظت محیط زیست»، مصوب ۱۳۵۸، «قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و درمانی»، مصوب ۱۳۶۷، «قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی»، مصوب ۱۳۴۶، «آیین نامه مقررات بهداشتی»، مصوب سال ۱۳۴۷، «آیین نامه بهداشت محیط»، مصوب سال ۱۳۷۰، «قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست»، مصوب سال ۱۳۵۳، «آیین نامه جلوگیری از آلودگی هوا»، مصوب سال ۱۳۵۴، «آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب»، مصوب سال ۱۳۷۳ و «قانون توزیع عادلانه آب» مصوب

مسئولیت کیفری مطلق در جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی ◇ ۹۹

سال ۱۳۶۱ اشاره نمود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳: ۲۳۲)؛ که به‌عنوان پیشینه تقنینی این ماده در قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ می‌باشند.

با توجه به سکوت قانونگذار و با مراجعه به اصول مسلم حقوقی کیفری، باید گفت: وجود عمد یا سوء نیت در ارتکاب اعمال زیانبار تهدیدکننده بهداشت عمومی باید اثبات شود؛ مگر این که این جرم را همانند حقوق آمریکا یا انگلستان جرم مادی صرف به شمار آوریم و بر مبنای نظری مسئولیت مطلق یا به مجازات مرتکبان اعمال تهدیدآمیز بپردازیم که به دلیل فقدان چنین نصی در حقوق کیفری ایران و نیز با توجه به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و نتیجه این اصل، یعنی تفسیر به نفع متهم، نمی‌توان به استنتاج اصل مسئولیت مطلق در این‌گونه جرایم پرداخت. این تحقیق در صدد یافتن پذیرش یا عدم پذیرش، مسئولیت کیفری مطلق در جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی در حقوق ایران و همچنین چالش‌های موجود در زمینه و مسئولیت دولت در جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی می‌باشد.

همسو با این فرضیه و دورنمای ذهنی که ضرورت حفظ زندگی اجتماعی و تأمین نیازهای مشترک، اساسی‌ترین عنصر تأثیرگذار در فرآیند پیدایش، تحول و تکامل حقوق به‌طور عام و حقوق کیفری و نهادهای مربوطه به‌طور خاص است؛ در صدد تبیین ماهیت و مبانی واقعی شیوه مسئولیت کیفری بدون تقصیر بوده است. جهان ماده، جهانی در حال شدن است و به تعبیر فلاسفه، مالا مال از حرکت؛ یعنی خروج تدریجی اشیا از قوه به فعل است. سیر حوادث اجتماعی و آموزه‌های بشری در گذشته و حال، پیش‌بینی و پیش‌دآوری درباره آینده را در چهارچوب شرایط خاص یا ضرورت‌ها امکان‌پذیر ساخته است.

نکته غیرقابل تردید، شناسایی بجا و دقیق ضرورت و تا حد امکان پرهیز از رویکردهای افراطی و طردی نسبت به سرمایه‌های علمی و عملی گذشته و همچنین ظرفیت‌ها و چشم اندازه‌های مثبت آینده است. یکی از این ضرورت‌ها که در حقوق کیفری محل بحث می‌باشد، ضرورت جرم‌انگاری‌ها و پیش‌بینی ضمانت اجرای مناسب و کارآمد است.

ضرورت پیش‌بینی مسئولیت کیفری مطلق در جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی، یکی از همین مقتضیات جامعه امروز و شایسته توجه هر چه بیشتر صاحب نظران حقوق کیفری است.

مفهوم جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی

«بهداشت عمومی»، از جمله ارکان مهم زندگی اجتماعی محسوب می‌شود که به طور مستقیم با آسایش عمومی ارتباط می‌یابد. قانون‌گذار با اشراف بر اهمیت این موضوع به جرم‌انگاری تهدید علیه بهداشت عمومی پرداخته و برای این جرم شرایط و مجازات‌هایی را نیز در نظر گرفته است. در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم و ۱۳۷۵ اصلاحات سال ۱۳۷۶) عنصر قانونی جرم تهدید علیه بهداشت عمومی معرفی و تشریح گردیده است. متن ماده مزبور و تبصره‌های آن عبارتند از: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود، از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبان چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجاز شدیدتری نباشند، به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.

مسئولیت کیفری مطلق در جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی ◇ ۱۰۱

تبصره ۱. تشخیص این که اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می شود و نیز غیرمجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی و همچنین اعلام جرم مذکور حسب مورد بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود. در صدر ماده مذکور که عنوان می گردد: «هراقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود...»؛ حاکی از تاکید جرم تهدید علیه بهداشت عمومی از سوی قانونگذار می باشد. لذا برای ارائه تعریفی مدون از بهداشت بایستی به آیین نامه بهداشت محیط ۱۳۷۱ هیات وزیران رجوع نمود که در ماده ۱ آن بهداشت محیط عبارت است از: کنترل عواملی از محیط زندگی، به گونه ای که روی سلامت جسمی، روانی و اجتماعی انسان تأثیری گذارند (دبیری، ۱۳۸۳، ص ۵۹۷).

بنابراین تعریف، تهدید علیه بهداشت عمومی، موثر بر سه بخش سلامتی (جسم انسان)، روان انسان و اجتماع انسان خواهد بود

تعیین مجرم و جبران کننده خسارت در جرم تهدید علیه بهداشت عمومی

سؤالی که در این جا مطرح می شود، این است که در شرکت های دولتی که برای حفظ سلامتی افراد باید بهداشت عمومی را رعایت کنند و از این امر تخلف می کنند، مسئولیت کیفری متوجه چه کسی است؟

شرکت، یا کارگزاران شرکت، یا هر دوی آن ها، در کشور ما، با توجه به بند ۱۳ ماده ۱ آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب، مصوب ۱۳۷۳ که بیان می دارد «منظور از مسئول، شخص حقیقی است که اداره یا تصدی منابع مولد آلودگی، از قبیل کارخانجات، کارگاه ها و سایر تاسیسات صنعتی را خواه برای خود و خواه به نمایندگی از طرف شخص یا اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر به عهده داشته یا

شخصاً به طرق مختلف عامل ایجاد آلودگی است.» پذیرفتن مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی مشکل است و گسترده بودن دامنه مالکیت‌های عمومی و دولتی بودن بیش‌تر شرکت‌های بزرگ تولیدکننده مواد آلاینده و در نتیجه فضاقت مسئولیت کیفری برای دولت به‌عنوان یک شخصیت حقوقی که دارای سازمان‌ها یا وزارتخانه‌های متعددی است، این مشکل را دوچندان می‌کند (انصاری، ۱۳۸۳: ۱۲۸). حتی اگر مباشر برخی از مصادیق این جرم شخص حقوقی باشد، چگونه می‌توان پاسخ حبس را در باره وی به مورد اجرا گذاشت؟ مقنن هم که در این ماده به جز این پاسخ، پاسخ دیگری مقرر نکرده است تا بتوان آن را درباره شخص حقوقی مرتکب این جرم اعمال کرد. در آن صورت باید گفت که جرم واقع شده است، اما پاسخی که بتوان در برابر این جرم به کار بست وجود ندارد (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۸۳).

در پاسخ به ابهام و سؤالی که مسئولیت کیفری متوجه چه کسی است؛ باید پاسخ داد که شخص حقوقی و کارگزاران آن توأمان دارای مسئولیت کیفری هستند و می‌توان این‌گونه نظر داد که ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، برای اشخاص حقیقی قابلیت اجرا دارد و ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ و اصلاحیه بعدی آن، در جهت اعمال مجازات شخص حقوقی به کار برده می‌شود. مستند به این ماده، کارخانجات و کارگاه‌های که موجبات آسیب به سلامت و بهداشت عمومی را فراهم می‌کنند، می‌بایست از کار و فعالیت خودداری کنند؛ که این ماده به شخصیت حقوقی مختص است و استناد ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی توأم با ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، راهی برای برون رفت از این ابهام می‌باشد، بدین صورت که با اجرای ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، منابع آلاینده کارخانه تعطیل می‌شود و با اجرای ماده ۶۸۸ قانون

مسئولیت کیفری مطلق در جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی ◇ ۱۰۳

مجازات اسلامی شخصیت حقوقی نیز به مجازات خواهد رسید (نجات و دبیری، ۱۳۹۲: ۱۸۷).

البته با توجه به عدم ذکر ماده به عنوان جرم برخوردار از ماهیت خصوصی، این جرم می تواند توسط سایر افراد نیز مورد شکایت قرار گیرد، و حتی مراجع قضایی بدون وجود شکایت به تعقیب مرتکب جرم مورد بحث قادر می باشند و تبصره ۱ ماده تنها در مقام تعیین وظیفه ای برای نهادهای مذکور در آن بوده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳: ۲۳۱).

مفهوم مسئولیت کیفری مطلق

مفهوم مسئولیت مطلق، ابتدا در حقوق مدنی به کار گرفته شد. در علم حقوق، جرایم با مسئولیت مطلق، یعنی جرایمی که در آن ها مسئولیت مبتنی بر تقصیر نیست و جرایم مادی صرف که با جرایم با مسئولیت مطلق، مترادف در نظر گرفته شده است، به معنای جرایمی است که در تشکیل آن ها، به عنصر روانی نیاز نیست، وقتی از جرم با مسئولیت مطلق سخن می گوئیم، به این مفهوم است که جرمی قبلاً" تکوین یافته که قابلیت انتساب آن مطرح گردیده است. پس در مرحله ثبوت، حتماً "عنصر روانی وجود داشته باشد؛ ولی در مرحله اثبات و تحمیل مسئولیت، به احراز عنصر روانی نیازی نمی باشد (احدی، ۱۳۸۹: ۱۵۹).

معیارهای تشخیص جرایم دارای مسئولیت کیفری مطلق

حقوق دانان و پژوهشگران این حوزه، معیارهای مختلفی برای تشخیص جرایم مسئولیت مطلق از سایر جرایم مطرح کرده اند که در این مقاله مجال بررسی همه آن ها وجود ندارد؛ لیکن، اشاره به برخی از معیارهای اساسی ضروری به نظر می رسد.

اولین معیار، به نوع جرم از نظر جرایم واقعی (ذاتاً بد) و جرایم انضباطی مربوط است. با تمایز میان جرایم ذاتاً کیفری و جرایم انضباطی یا قراردادی، ضابطه‌ای به دست می‌آید که بر اساس آن، جرایم مسئولیت مطلق قابل تشخیص می‌شوند؛ بدین صورت که در جرایم ذاتاً کیفری، اصل بر ضرورت وجود عنصر روانی است؛ ولی در جرایم انضباطی اصل بر عدم لزوم عنصر روانی می‌باشد.

دومین معیار، در تعیین میزان مجازات است. در جرایم ذاتاً کیفری، مجازات جرم غالباً سنگین است؛ مثل اعدام یا حبس؛ در حالی که وقتی با مجازات سبک رو به رو می‌شویم، مثل جریمه نقدی یا خدمت عام المنفعه، معمولاً با جرم مسئولیت مطلق مواجه هستیم. این ضابطه زیاد کاربرد ندارد؛ زیرا اصولاً جرایم واقعی مجازات سنگین و جرایم انضباطی مجازات سبک‌تری دارند و در نتیجه با معیار قبلی تشخیص تقریباً منطبق خواهد بود. دیگر این که در مواردی مشاهده می‌شود که برای جرایم انضباطی مجازات سنگین‌تری در نظر گرفته شده است؛ مثلاً مجازات فروش بلیت بخت آزمایی به اشخاص زیر ۱۶ سال تمام به‌عنوان جرم انضباطی در کامن‌لا تا دو سال حبس است! به همین علت معیار «جدیت و شدت» جرم را مطرح نمودند. لذا هرچه جرم مهم‌تر و جدی‌تر باشد امکان این که مسئولیت مطلق تحمیل گردد، کمتر خواهد بود.

سومین معیار، به متن قانون بر می‌گردد. قضات با توجه به متن قانون باید کشف کنند که منظور قانون‌گذار با وضع آن قانون، ایجاد جرم مسئولیت مطلق بوده یا نه؟ قضات این کار را از نحوه نگارش قانون و کلماتی که قانون‌گذار در متن قانون به کار می‌برد، استنباط می‌کنند. گاهی قانون‌گذار به صراحت و گاهی به صورت تلویحی آن را بیان می‌کند؛ مثلاً کلماتی مانند «عالمأ»، «عامداً» نشانگر این است که قاضی باید قصد و عنصر روانی متهم را احراز کند و کلماتی مانند «داشتن»، «منجر

مسئولیت کیفری مطلق در جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی ◇ ۱۰۵

شدن» نشانگر ایجاد جرایم مسئولیت مطلق است. مورد اخیر به طور مکرر در قوانین کشور ایران، به ویژه در قوانین مبارزه با قاچاق مورد استفاده قرار گرفته است.

چهارمین معیار، مقایسه عبارات و کلمات است. گاهی قاضی با کمک موضوعات پیرامونی می‌تواند به تشخیص دست پیدا بکند؛ مثلاً اگر نداند که جرم مسئولیت مطلق است یا نه، با مراجعه به جرایم دیگری که در همان بخش از قانون آمده است و از نظر ماهیت به جرم مورد بحث نزدیک‌تر هستند، می‌تواند دریابد که نوع جرم چیست. برای نمونه، اگر جرم آلودگی رودخانه به وسیله مواد آلاینده از جهت عنصر روانی مورد سؤال باشد و جرم مذکور با انواع دیگری از آلودگی با مواد آلاینده از نوع جرم با مسئولیت مطلق یا بدون تقصیر هستند، مقایسه گردد؛ این احتمال که جرم مورد سؤال هم جرم مسئولیت مطلق باشد، بسیار زیاد است.

پنجمین معیار، بررسی تاریخچه جرم از قوانین قبلی و منابع قانونی است. برای نمونه، در برخی از موارد، جرم خاصی در قوانین منسوخ پیشین نیز وجود داشته و به احتمال خیلی زیاد، قانون‌گذار حین نگارش قانون جدید از قانون قدیم نیز استفاده کرده است. حال هنگامی که نحوه نگارش قانون نسبت به جرم واحدی در قانون جدید تغییر کند، نشانگر این مطلب است که قانون‌گذار در صدد ایجاد نوعی تغییر در ماهیت جرم بوده است. حال اگر این تغییرات لفظی، مفید حذف یا لزوم اثبات عنصر روانی باشد، می‌تواند در تعیین نوع جرم به قاضی کمک بکند. مثلاً، اگر در قانون قدیم، قانون‌گذار لفظ «عالماً» را به کار برده و در قانون جدید این قید حذف شده باشد، به احتمال قوی، خواسته قانون‌گذار تغییر ماهیت جرم و ایجاد جرم مسئولیت مطلق بوده است.

ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در بند (ب) صراحتاً بیان کرده است که هر گاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هر چند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد؛ ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود. پس فرض بر آگاهی مرتکب است. لذا در صورتی که مدعی عدم آگاهی و یا عدم هوشیاری است؛ باید عدم آگاهی اش را ثابت کند.

پس در قیاس با قانون سابق که لزوم و مشروط بودن ارتکاب قتل عمد به عامداً و عالماً، بودن عمل مرتکب بود؛ در قانون جدید، در جرایم کشنده و نوعاً کشنده فرض تقصیر کرده است. به عبارتی دیگر، می‌توان گفت که ملاک و نگاه جرم‌انگاری را از روی مرتکب برداشته و بر روی عمل مرتکب قرار داده است.

ششمین معیار، وجود دفاع عام عدم غفلت در متن قانون است. گاهی قانون‌گذار پس از بیان جرم و شرایط و ویژگی‌های آن بیان می‌کند که متهم با اثبات عدم بی‌مبالاتی خود می‌تواند از مجازات بگریزد. به بیان دیگر، اگر متهم ثابت کند که تمامی اقدامات متعارف را برای جلوگیری از وقوع جرم به عمل آورده، از مجازات معاف است. وجود این نوع از دفاع، خود، نشانگر این است که جرم مذکور مسئولیت مطلق از نوع مضیق است. علت آن، این است که اگر جرم مذکور مسئولیت مطلق از این نوع نباشد، ذکر دفاع معینی برای خلاصی از محکومیت بی‌معنی خواهد بود (Russell, ۲۰۰۶: ۴۱۴)؛ زیرا در جرایم واقعی علاوه بر عنصر مادی به اثبات عنصر روانی هم نیاز هست و این مقام تعقیب است که وظیفه دارد جرم را به اثبات برساند و مرتکب برای خلاصی از جرم و مجازات مسئولیتی ندارد؛

مسئولیت کیفری مطلق در جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی ◇ ۱۰۷

در نتیجه وقتی تقصیر یا سوء نیت متهم توسط مقام تعقیب ثابت شد، دیگر متهم نخواهد توانست به دفاع عدم تقصیر استناد کند.

برخی از دلایل موافقان مسئولیت کیفری مطلق عبارتند از:

۱. فراهم آوردن منافع عمومی بیش تر

اولین دلیل موافقان و مسئولیت کیفری مطلق، در نظر گرفتن منافع عمومی در مقابل منافع فرد مرتکب است؛ به طوری که ممنوع کردن رفتار برای عموم منفعت بیشتری دارد تا منافع حاصل از ارتکاب آن رفتار برای یک فرد. از این رو، افرادی که رفتارهای آنان ممکن است به رفاه عمومی آسیب برساند، باید در فعالیت‌های خود نهایت دقت را به عمل آورند. این عده معتقدند که اگر قضات به اثبات عنصر روانی برای این گونه جرایم ملزم باشند، راه فرار زیادی برای اشخاص حقیقی و حقوقی باز خواهد شد که به وسیله آن، از مسئولیت بگریزند. مسئولیت مطلق این راه‌ها را مسدود می‌کند و انگیزه‌ای برای اعمال تدابیر پیشگیرانه خواهد بود و در نتیجه اشتباه‌های منجر به حوادث، به حداقل ممکن خواهد رسید (Verdun, ۱۹۸۹: ۱۶۴). به علاوه مسئولیت مطلق با ترغیب افراد به رعایت احتیاط لازم آنان را در مقابل اعمال خطرناک حفظ می‌کند (Murphy, ۸۸, Ibid) و عامل بازدارنده مؤثری در مورد جرایم قراردادی و انضباطی محسوب می‌شود که با نظارت صنفی، علاوه بر رسیدگی دادگاه‌ها و مراجع انتظامی، این اثر مضاعف خواهد بود.

۲. مفروض دانستن ضمانت اجرا

از دلایل دیگر می‌توان به ضمانت اجرای آن اشاره نمود. با توجه به دشواری اثبات سوء نیت در جرایم مسئولیت مطلق، سوء نیت، مفروض تلقی شده و بلافاصله مجازات بر مجرم تحمیل می‌شود. اغلب دعاوی مربوط به جرایم مسئولیت مطلق علیه، اشخاص

حقوقی می‌باشند و جریمه، مصادره و یا پلمپ یک شرکت، به هیچ وجه بر آزادی فردی خدشه‌ای وارد نمی‌کند. هنگامی که افراد مرتکب تخلف صنفی می‌شوند، ممکن است از این راه درآمدی کسب کرده باشند و بدیهی است که در صورت ایراد خسارت به دیگری و احراز مسئولیت، بایستی به طور مطلق مسئول باشند (Elliott and Quinn, ۹۰: ۲۰۰۶). هم چنین در مواردی که جرم سنگین است، مسئولیت مطلق نمی‌باشد، بلکه اثبات رعایت جوانب احتیاط به طور منطقی و تلاش در جهت آن موجب لزوم احراز غفلت خواهد بود (Hunt, Ibid: ۱۴۶) بنابراین، مسئولیت مطلق در اوضاع و احوال محدود و خاص موجه خواهد بود؛ ولی به هر حال گسترش آن غیر قابل قبول است.

البته اصولاً ممکن است مسئولیت مطلق، متضمن منافع زیادی برای جامعه باشد و یا آسیب‌های اجتماعی زیادی را بهبود بخشد؛ اما اگر به بی‌عدالتی منجر شود، خود قابل مواخذه و سرزنش است. به نظر می‌رسد آنچه موجب شده تا از مسئولیت کیفری مطلق حمایت شود، چنین نتایجی نبوده است، بلکه، پیشرفت بشر موجب توجه به این نوع از مسئولیت گردیده است و حتی بعضی از موافقان «مسئولیت مطلق» ثابت کرده‌اند که مسئولیت مطلق همیشه بر اساس تقصیر نیست و به رغم نبود سوء نیت مرتکب، مجازات وی را پذیرفته‌اند (Stanton, Ibid: ۱۵۵).

۳. تضمین برقراری و اجرای هر چه بهتر و بیشتر عدالت

توجیه دیگر این است که در این گونه موارد، بی‌عدالتی صورت نمی‌گیرد؛ چرا که جرایم مسئولیت مطلق جرایم واقعی (ذاتی) نیستند، بلکه جرایم قراردادی، شبه جزایی و تخلفات انضباطی هستند (کلارکسون، ۱۲۳) ضمن این که برخلاف جرایم مهم، مانند قتل یا سرقت، سرزنش جرایم مسئولیت مطلق، بسیار کم یا محدود است. برای مثال، تخلف رانندگی مثل پارک غیر مجاز خودرو، ممکن است هیچ گونه سرزنشی نداشته باشد یا محکومیت به جرایم مسئولیت مطلق برچسب یا لکه ننگ،

مسئولیت کیفری مطلق در جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی ◇ ۱۰۹

مشابه آنچه برای جرایم واقعی به وجود می‌آید، ایجاد نمی‌کند و مجازات‌ها معمولاً سبک می‌باشند؛ اما در هر صورت محدود بودن سرزنش و سبک بودن مجازات‌ها به هیچ وجه نمی‌تواند بی‌عدالتی را توجیه بکند، مگر آن‌که بگوییم فعل بر اثر غفلت یا سهل‌انگاری یا عدم آموزش و مهارت یا عدم نظارت ارتکاب یافته است که در این صورت هم سرزنش فرد از طرف عموم افراد جامعه پذیرفتنی است و هم مجازات فرد عادلانه خواهد بود. نتیجه این‌که، در رفتارهایی مانند ریختن پسماندهای یک کارخانه در رودخانه، چه به صورت عمدی و چه به صورت سهوی، که افراد با آگاهی قبلی به آن اقدام می‌نمایند، نه تنها به علت «مسئولیت مطلق» قابل مجازاتند، بلکه قابل سرزنش نیز هستند.

برخی از دلایل مخالفین مسئولیت کیفری مطلق عبارتند از:

۱. غیرضروری و ناکارآمد بودن مسئولیت کیفری مطلق

مخالفان این نوع مسئولیت معتقدند، نه تنها هیچ دلیلی وجود ندارد که معیارها و حداقل‌های رفتاری از طریق مسئولیت بدون تقصیر ارتقا پیدا کند، (زیرا حتی اگر شخص تمام مراقبت‌های معقول را به کار گیرد، باز هم مسئول خواهد بود)، بلکه مقررات مربوط به مسئولیت بدون تقصیر، همیشه با شدت، قدرت و به طور هماهنگ اجرا نمی‌شوند. به علاوه، اهداف مورد نظر در جرایم بدون تقصیر از طریق روش‌های غیر کیفری نیز قابل تأمین است.

۲. ترس از محکومیت اشخاص فاقد تقصیر یا بی‌گناه

با مراجعه و دقت در نظریات حقوقدانان و قضات به نظر می‌رسد مهم‌ترین دغدغه مخالفان، ترس از محکومیت اشخاص فاقد تقصیر یا بی‌گناه است (عبداللهی، ۱۳۹۲،

راهکارهای اصلاحی

پیشنهاد های اصلاحی، عمدتاً به دو صورت قابل تفکیک و تشخیص هستند: برخی از آن‌ها متضمن تغییر در شیوه مسئولیت کیفری بدون تقصیر در چهارچوب یا درون حقوق کیفری است. برخی نیز این اصلاح را از طریق اتخاذ تدابیر غیر کیفری یا غیر قضایی دنبال کرده‌اند؛ همان طور که در نظام کیفری انگلستان و بسیاری از کشورهای تابع نظام عرفی، این راه حل‌ها اعتبار قانونی و قضایی پیدا کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین راهکارها، روش پیش‌بینی دفاعیات خاص، همچون دفاع فقدان غفلت^۱ یا مراقبت لازم^۲ یا دفاع فقدان تقصیر^۳ به طور کلی است. این راه حل به اصطلاح میانه^۴ که در برخی منابع تحت نام "روش بینابین" یا راه فرار^۵ معروف است، بر این فرض مبتنی است که به محض اثبات عنصر مادی جرم، متهم در وضعیت مسئولانه قرار می‌گیرد و اوست که باید با ارائه دلایل معقول یا مدافعاتی بی‌گناهی یا عدم تقصیر خود را ثابت کند.

۱ No negligence defence

۲ Due diligence

۳ Absence of fault defence

۴ Middle course

۵ Half-way house: این روش که در پرونده سوءنیت علیه پارسلی در سال ۱۹۷۰ توسط

لرد دیپلاک مطرح شد، یک روش بینابین است یعنی بین مسئولیت بدون تقصیر و مسئولیت تقصیری است. این راه حل بار اثباتی را از دوش مقام تعقیب برمی‌دارد؛ ولی متهم اجازه دارد که بی‌گناهی خود را ثابت کرده و خود را از خطر محکومیت و مجازات برهاند.

جلوه‌ها و چالش‌های مسئولیت کیفری مطلق در حقوق ایران

چالش‌های مسئولیت مطلق کیفری در جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی در حقوق ایران و مسئولیت دولت در این جرایم مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند.

وجود یا عدم مسئولیت کیفری مطلق در جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی

درخصوص بزه تهدید علیه بهداشت عمومی موضوع ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، کاربرد واژگانی مانند آلوده کردن، توزیع، دفع کردن، ریختن و استفاده، مبین اراده قانونگذار بر عمدی بودن این اقدامات است. حال اگر به جای این کلمات از عباراتی چون سبب آلوده شدن یا سبب ورود، توزیع یا دفع شدن استفاده می‌شد، می‌توانستیم مقصود مقنن را، اعمال مسئولیت مطلق بدانیم؛ زیرا در این صورت، رفتار عمدی مرتکب مهم نبود، بلکه تهدید بهداشت عمومی و مصادیق گوناگون آن، به نحو قابل انتساب به متهم به هر شکل ممکن، واجد اهمیت بود؛ هرچند منشأ مصادیق تهدیدکننده، رفتار عمدی یا غیرعمدی مرتکب نباشد. مفاد یکی از آرای صادره از سوی دادگاه تجدیدنظر که مقرر می‌دارد: «رفتار محکوم غلبه در ایجاد دامداری در منطقه مسکونی و دفع غیربهداشتی فضولات دامی، از مصادیق جرم تهدید علیه بهداشت عمومی جامعه است...»؛ نیز مؤید همین معناست؛ چرا که بدیهی است ایجاد یک دامداری و دفع فضولات دامی آن، اقدامی عالمانه و عامدانه است. همچنین است رأی دیگری که محکومیت متهم در نتیجه خرید و فروش زباله‌های بیمارستانی را به‌عنوان جرم تهدید علیه بهداشت عمومی تأیید نموده است، با همان استدلال از جریان قاعده «ضرورت تحقق عنصر معنوی جرم» در رویه قضایی ایران حکایت دارد (شاهچراغ، ۱۳۹۱: ۱۰۵-۱۰۴). از این رو می‌توان گفت که مقنن و همچنین رویه قضایی به عدم پذیرش مسئولیت کیفری مطلق، گرایش داشته و میل

دارند که همواره سه رکن اصلی جرم در کنار یکدیگر قرار گیرند تا جرم مذکور محقق و مسئولیت کیفری بر مرتکب تحمیل گردد. در خصوص جرم تهدید علیه بهداشت عمومی نیز این قاعده حاکم است؛ چنان‌که در آرای مختلف کیفری که آورده شد (و دیگر آرای که مجال آورده شدن نداشته، ولی موجود هستند) عدم پذیرش مسئولیت کیفری مطلق برای مرتکب جرم تهدید علیه بهداشت عمومی قابل مشاهده می‌باشد.

به طور کلی و با مطالعه موارد مختلف قوانین موجود در حقوق ایران، مسئولیت مطلق کیفری در حقوق ایران قابل پذیرش نیست؛ زیرا برای تحقق مسئولیت کیفری وجود عنصر معنوی ضروری انگاشته شده است و بر ضرورت وجود عنصر روانی اشاره دارد. رویه قضایی نیز در بیش‌تر موارد، به لحاظ وضع مجازات‌های قانونی شدید، با تمسک به عدم احراز سوءنیت متهم، بر برائت متهمان تمایل دارد. در مقابل برای محقق شدن مسئولیت مطلق علیه مرتکب، به احراز رکن معنوی (سوء نیت خاص) نیاز نیست و به صرف تحقق رکن مادی جرم مسئولیت مطلق قابل اثبات به فرد مرتکب است. البته باید گفت که در حقوق مدنی ایران، در موارد نادری مسئولیت مطلق پذیرفته شده است.

اعمال دولت‌ها، " اعمال مربوط به حاکمیت و اعمال تصدی گرایانه "

کارکرد های دولت به «اعمال مربوط به حاکمیت» و «تصدی» تقسیم می‌شود:

اعمال مربوط به حاکمیت دولت، اعمالی هستند که در اجرای آن‌ها دولت حاکم و قدرت مطلق است و به وسیله آن‌ها به مردم فرمان می‌دهد و تحکم می‌کند. مثلاً وضع قانون و آیین نامه و یا برقراری مالیات و عوارض و یا سلب مالکیت از بعضی افراد که بدیهی است در اعمال این اعمال افرادی متضرر می‌شوند. در چنین حالتی

مسئولیت کیفری مطلق در جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی ◇ ۱۱۳

دولت، مسئولیت مدنی جبران ضرر و زیان وارده به افراد را ندارد. در مقابل، اعمال مربوط به تصدی، اعمالی هستند که در آنها نشانی از قدرت سیاسی دولت دیده نمی‌شود؛ مثل خرید و فروش و اجاره توسط دولت. لذا در صورت بروز خسارتی به دیگران ناشی از اعمال تصدی، دولت مسئولیت جبران دارد. به لحاظ قضایی هم دادگاه‌های عمومی رسیدگی به خسارات ناشی از اعمال تصدی را صلاحیت دارند و درخصوص خسارات ناشی از اعمال حاکمیت هیچ‌گونه صلاحیتی ندارند.

صدر ماده ۱۱ مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و موسسات وابسته به آنان که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارات وارده می‌باشند؛ ولی هر گاه خسارات وارده به عمل آنان مستند نبوده، بلکه به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور مربوط باشد، جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوط است.» طبق ماده ۱۱ ق.م. و قتی بر اثر اعمال حاکمیت خسارتی به اشخاص وارد گردید، نمی‌توان به طور قطع از زیان‌دیده رفع زیان نمود و به عبارت دیگر، دعوی زیان‌دیده در زمینه رفع خسارت از خود، توسط دولت به نتیجه‌ای نخواهد رسید. اما در این خصوص باید یادآور شد که دولت طبق ماده ۱۱ ق.م. به پرداخت خسارت مجبور نخواهد بود؛ هر چند منعی در زمینه پرداخت خسارت به زیان‌دیده برای دولت وجود ندارد. البته به نظر می‌رسد، چنانچه در جریان همین اعمال حاکمیت، خسارتی به شخصی وارد گردیده و زیان‌دیده بتواند تقصیر عمدی عامل دولت را (مأمور - مستخدم) در نقض مقررات و در جهت اضرار به خویش ثابت نماید؛ امکان رفع خسارت وارده طبق صدر ماده مذکور، بعید و دور از انتظار نمی‌باشد. بدیهی است در دعوی مسئولیت مدنی، زیان‌دیده باید بتواند رابطه سببیت بین عمل زیانبار اداره و

زیان وارده را ثابت نماید؛ چون در غیر این صورت، از دعوی خود طرفی نخواهد بست.

با توجه به اینکه دولت از مصادیق بارز شخصی حقوقی است، برای استثنای دولت دلیل موجهی وجود ندارد و باید دولت نیز نسبت به جرایمی که مرتکب می‌گردد، همچون اشخاص حقیقی، مسئول عواقب جزایی اعمال خویش باشد؛ هر چند نحوه مجازات متفاوت باشد، که این موضوع در ماهیت مسئولیت کیفری دولت ندارد. دولت در جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی در جایی که اعمال تصدی می‌کند، نه تنها از لحاظ مدنی مسئول شناخته می‌شود، بلکه از لحاظ کیفری نیز مسئول تلقی می‌شود و باید خسارت را جبران کند؛ اما در جایی که اعمال حاکمیت می‌کند، تنها از لحاظ حقوق مدنی و جبران خسارت مخیر است که خسارت بزه‌دیده را در جایی که اثبات شود، بپردازد.

در نظر گرفتن مسئولیت کیفری مطلق برای دولت در جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی

دولت برای رسیدن به اهداف خود، وظایف و تکالیفی را بر عهده دارد و برای تحقق آن اهداف، با به خدمت گرفتن وسایل، ابزار و نیروی انسانی که در اختیار دارد، فعالیت گسترده‌ای در جامعه انجام می‌دهد. سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آیا دولت را می‌توان همانند اشخاص خصوصی، مسئول خسارات یا زیان‌هایی دانست که از اقدامات دولت یا کارکنانش ناشی شده است؟ در حقوق خصوصی، لزوم جبران خسارتی که برخلاف حق به دیگری وارد آمده است، یکی از قواعد مسلم حقوقی می‌باشد که در تمام نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است؛ تا آن‌جا که در نظریه‌های جدید، به جای «حقوق مسئولیت» از «حقوق جبران خسارت» صحبت

به میان می‌آید (ناصر کاتوزیان، ۱۳۸۲، ۵۵). اصول حقوقی و عدالت اقتضا دارد، همان گونه که اشخاص حقیقی، اگر خسارت و زبانی وارد آورند، متحمل پرداخت خسارت می‌شوند؛ در مورد اشخاص حقوقی خواه دولت یا غیر آن، همین گونه عمل شود. اصل وحدت احکام شخص حقیقی و شخص حقوقی که در ماده ۵۸۸ قانون تجارت انعکاس یافته، موید آن است. این گرایش جدید، با قاعده فقهی «لا ضرر»^۱ به مفهومی که هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند، هماهنگی کامل دارد. مطالعه مسئولیت مدنی دولت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، گویای آن است که، به رغم پیش‌بینی برخی موقعیت‌های خاص در قوانین مصوب، که مسئولیت دولت را منطبق با تئوری‌های تقصیر یا خطر پذیرفته است؛ در بسیاری از موارد با اشکال یا خلاء قانونی مواجه است. پراکندگی قوانین، نگاه موردی به مسئولیت مدنی دولت، عدم انسجام در مبانی مسئولیت، که برخی بر نظریه تقصیر و برخی دیگر بر نظریه خطر استوار شده است و همچنین فقدان راه کارهای اجرایی دقیق و عدم وحدت رویه در موارد مشابه، مثل حدود مسئولیت ناشی از تقصیر قضات و نیروهای مسلح و سایر کارکنان دولت، از مهم‌ترین ضعف‌ها و خلاءهای قانونی راجع به نظام مسئولیت مدنی دولت می‌باشد و تا زمان تصویب چنین قانونی، وظیفه قضات دادگاه‌ها است که با استناد به اصول و قواعد حقوقی راجع به

۱. این قاعده برگرفته از حدیث نبوی است که فرموده‌اند: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام». در تفسیر این قاعده، عده‌ای گفته‌اند که حکم ضرری در اسلام وجود ندارد. در نتیجه این قاعده را برای محدود کردن حکم شارع استفاده کرده‌اند. عده‌ای دیگر بر نهی از ایجاد ضرر تکیه کرده‌اند. و گروهی نیز بر این عقیده‌اند که هیچ ضرری نباید بدون جبران بماند.

مسئولیت، حکم هر قضیه را صادر نمایند. دامنه مسئولیت دولت از دامنه مسئولیت سایر شخصیت‌های حقوقی گسترده‌تر است و هر چه میزان دامنه گسترده‌تر می‌شود؛ مسئولیت نیز در قبال اعمالش گسترده‌تر می‌شود. برخلاف کشورهای توسعه یافته که فعالیت‌های اقتصادی توسط بخش‌های خصوصی صورت می‌گیرد، در کشورهای در حال توسعه، بیش‌تر فعالیت‌های اقتصادی را، دولت انجام می‌دهد و در واقع در این زمینه با بخش خصوصی رقابت می‌کند. علاوه بر آن، دولت مالکیت اکثر بخش‌های صنعتی، کارخانجات بزرگ و کارگاه‌های کوچک را در اختیار دارد، که علاوه بر تبعات منفی اقتصادی، زمینه و بستری مناسب، برای جرایم مختلف فراهم می‌نماید.

از جمله این جرایم، جرایم زیست محیطی است که به‌عنوان یکی از معضلات اصلی جامعه بشری در قرن بیست و یکم به‌شمار می‌آید. این فجایع که برخی از آن‌ها متضمن خسارت جانی و برخی دیگر لطمات شدید و بحرانی را نسبت به شرایط خصوصی و محیط زیست انسان در پی دارد، اهمیت اجتماعی زیادی پیدا کرده است. تجربیات کشورهای مختلف در حال توسعه، حاکی از آن است که دولت با ورود به فعالیت‌های تصدی‌گری، در ایجاد مصادیق جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی دارای نقش اساسی است.

اگر بخواهم از مسئولیت بدون تقصیر دولت تعریفی داشته باشیم، باید گفت: «نوع خاصی از مسئولیت است که طی آن، دولت به حکم قانون، به جبران خساراتی ملزم است که یا به واسطه اجرای وظایف خود ناگزیر به تحمیل شهروندان است و یا بدون آن‌که در وقوع آن نقشی داشته باشد، در جهت برقراری عدالت و حمایت از حقوق زیاندیدگان دست به جبران می‌زند» (زرگوش، ۱۳۸۸، ۹۶).

نتیجه گیری

«مجازات» زمانی اثر ارعابی و بازدارندگی یا پیشگیرانه برای مجرمان بالقوه و به عادت دارد که عمل مرتکب از قصد و اراده او نشات گرفته باشد. در جرایم مسئولیت مطلق که فرد بی تقصیر نیز مجازات می شود معمولاً، اعضا جامعه خود را به رعایت این گونه مقررات مقید نمی کنند؛ چون بین فرد بی تقصیر و مقصر تفاوتی احساس نمی کنند. بنابراین، بهترین راه ممکن برای جلوگیری از ارتکاب جرایم مسئولیت مطلق فقط تحمیل مجازات نخواهد بود، بلکه بایستی از طریق بررسی اوضاع و احوال جامعه مجرم و جرم، نسبت به پیشگیری از این گونه جرایم اقدام نمود. در بسیاری از جرایم ارتكابی در حوزه جرایم مسئولیت مطلق مجرم یا اصلاً مقصر نیست یا تقصیر جزئی دارد. به طور مثال، در برخی تصادفات رانندگی، نقص فنی وسایط نقلیه از عوامل اصلی بروز حوادث رانندگی است و راننده تقصیری ندارد.

با مطالعه و بررسی در خصوص موضوع تحقیق باید گفت که جرم تهدید علیه بهداشت عمومی که در ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ جرم انگاری شده است؛ ماده مزبور در خود، دو نوع جرم با مصادیق فراوان را جای داده است که جای دادن آن‌ها در یک ماده واحد، خالی از اشکال نیست و خود مشکلاتی در تفسیر آن به وجود می آورد: جرم تهدید علیه بهداشت عمومی، از جمله جرایم عمدی می باشد که به طور ضمنی بر عمدی بودن آن اشاره شده است؛ یعنی برای تحقق مسئولیت علیه مرتکب آن می بایست، عنصر معنوی (سوء نیت خاص) مرتکب احراز شود؛ در عین حال، در مبانی و فلسفه وجودی مسئولیت مطلق کیفری، از احراز رکن معنوی سخنی به میان نیامده است و برای تحقق مسئولیت مطلق، به احراز رکن معنوی توسط مقام قضایی نیازی نیست. از طرفی نیز، با مطالعه در حقوق ایران،

افزون بر تعارض بیش‌تر مفهوم مسئولیت مطلق با مبانی و عموماًت، بر پذیرش مسئولیت مطلق در خصوص اقسام مختلف جرایم تصریحی وجود ندارد و اما در برخی استثنائات در قوانین مدنی، مسئولیت مطلق کیفری پذیرفته شده است؛ ولی به هیچ عنوان، این امر به معنی پذیرش مسئولیت کیفری مطلق نمی‌باشد. لذا در قوانین حاکم، نه تنها بر پذیرش مسئولیت کیفری مطلق مؤیدی مشاهده نمی‌شود، بلکه ادله معارض بسیاری در این خصوص وجود دارد. از این رو، می‌توان به این نکته رسید که قانونگذار ایران و همچنین رویه قضایی، مسئولیت کیفری مطلق در جرم تهدید علیه بهداشت عمومی را نپذیرفته و از آن پشتیبانی نمی‌کند و در این جرایم نیز مانند اکثر جرایم کیفری، وجود سه رکن مادی، معنوی و قانونی را برای احراز مسئولیت کیفری لازم دانسته و غیر از این را، به رسمیت نشناخته است.

با توجه به روند روبه رشد جرایم مسئولیت مطلق، هر قدر این جرایم، بیش‌تر جرم‌نگاری شود و قلمرو حقوق جزا از نظر ایجاد جرم مسئولیت مطلق توسعه یابد، تعداد مجرمان بالقوه زیاد می‌شود و قشرهای مختلف مردم مرتکب آن می‌شوند. به طور مثال، با ایجاد کارخانه تولید مواد آرایشی و بهداشتی جرایم مسئولیت مطلق نیز در این خصوص ایجاد می‌شوند و با این اقدام، قانونگذار نسبت به ایجاد مجرمان بالقوه کمک می‌کند. از این رو، پیشروی حقوق کیفری با جرم‌نگاری رفتارها به صورت مسئولیت مطلق، موجب افزایش تعداد مجرمان بالقوه خواهد شد.

با توجه به پذیرش نظریه مسئولیت کیفری شخص حقوقی، برای استثنای دولت از جبران خسارت در جرم تهدید علیه بهداشت عمومی در جایی که کوتاهی کارمندان دولت در اعمال تصدی اثبات شود، دلیل موجهی وجود ندارد.

مسئولیت کیفری مطلق در جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی ◇ ۱۱۹

در اعمال مربوط به حاکمیت، دولت مسئولیت مدنی جبران ضرر و زیان وارده به افراد را ندارد. بدیهی است در دعوی مسئولیت مدنی، زیان‌دیده باید بتواند رابطه سببیت بین عمل زیانبار اداره و زیان وارده به خود را ثابت نماید. دولت نیز نسبت به جرایمی که مرتکب می‌گردد، همچون اشخاص حقیقی، باید مسئول عواقب جزایی اعمال خویش باشد؛ هر چند نحوه مجازات متفاوت باشد که این موضوع در ماهیت مسئولیت کیفری دولت تأثیری ندارد.

به رغم وجود ضمانت اجراهای دیگری چون خدمت اجتماعی، الزام به اصلاح وضعیت جرم‌زا، ممنوعیت از صدور برخی اسناد تجاری، ممنوعیت افزایش سرمایه از طریق رجوع به عموم، انتشار حکم محکومیت، انحلال، تعطیلی موقت و مصادره اموال به جرگه ضمانت اجراهای کیفری جرایم اشخاص حقوقی، جزای نقدی به واسطه قدرت تأثیرگذاری بر ارزش‌های مالی اشخاص حقوقی که اغلب بر پایه اصل هزینه منفعت و براساس ریسک‌های محاسبه شده و به طور کلی بر مبنای عقلانیت اقتصادی مرتکب جرم می‌شوند؛ همچنان به‌عنوان بهترین ضمانت اجرای قابل اعمال تلقی می‌شود.

در مسئولیت کیفری مطلق (جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی) هر قدر هم مجازات تشدید شود، باز هم نمی‌توان مانع ارتکاب جرم شد؛ مگر با اقدامات وضعی، آموزش، رفع نقص و اصلاح انحرافات با فرهنگ سازی، بتوان از ارتکاب چنین جرایمی که با پیشرفت‌های چشمگیر در حوزه صنعت و ارتباطات رو به گسترش هستند؛ پیشگیری نمود.

شایسته است پیشنهادهای زیر مورد توجه قانون‌گذار، جهت تحقق ضمانت اجرای موثرتر برای سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی (دولت) اتخاذ شود:

۱. یکی از مجازات‌هایی مشخص شده در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، جزای نقدی است که اتفاقاً قابل اعمال‌ترین مجازات بر، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی است که میزان آن، طبق ماده ۲۱ همین قانون، حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می‌شود. محدود کردن جزای نقدی اشخاص حقوقی به حداقل و حداکثر جزای نقدی اشخاص حقیقی، با توجه به سودآوری هنگفت دولت، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی، حالت بازدارندگی خود را از دست داده است. بهتر است جزای نقدی اشخاص حقوقی به صورت جداگانه و در حد امکان با توجه به سودآوری حاصل از جرم، انجام شود تا حالت بازدارندگی خود را حفظ کند. این حالت دولت‌ها را به استفاده از تکنولوژی جدید در کارخانجات خود تشویق می‌کند تا از مصادیق تهدیدکننده بهداشت عمومی جلوگیری شود و به مجازات سنگینی محکوم نشود و این مجازات موسسات، کارخانجات و شرکت‌های دولتی را به سمتی پیش خواهد برد که به این نتیجه برسند همان پولی که می‌خواهند صرف مجازات جزای نقدی کنند، بهتر است قبل از مجازات شدن، آن را صرف بهبود تکنولوژی کارخانجات خود کنند، تا هم محصولات با کیفیت‌تری تولید کند و هم تهدیدات بهداشتی به وجود نیاورند و احتمالاً مجازات سنگینی در انتظار آن‌ها نباشد.

۲. در تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی جدید آمده است: «مجازات‌های موضوع این ماده در مورد اشخاص حقوقی دولتی یا عمومی غیر دولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود.» در این زمینه هر چند در قانون برنامه چهارم توسعه، مصوب ۱۳۸۳ معیاری برای اعمال حاکمیت و اعمال تصدیگری دولت مشخص شده؛ اما با توجه به اهمیت موضوع، که اعمال حاکمیتی دولت از

مسئولیت کیفری مطلق در جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی ◇ ۱۲۱

مجازات‌های تعزیری معاف هستند، ممکن است دولت که از قدرت چانه زنی زیادی برخوردار است، با تفسیر به نفع خود اعمال جرم زای خود را، اعمال حاکمیت بداند و از این طریق، از مجازات‌ها فرار کنند، بنابراین، بهتر است اعمال حاکمیت دولت احصا و بقیه اعمال، اعمال تصدیگری محسوب شود تا هم دولت از قدرت خود سوء استفاده نکند و هم قضات دادگاه‌ها برای صدور رای با شفافیت و جرات بیش‌تری عمل کنند.

۳. در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ سازمان‌های مردم نهاد که اساسنامه آن‌ها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است؛ می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه مذکور اعلام جرم کرده، در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرا مراجع قضایی اعتراض نمایند. پیشنهاد می‌شود در قانون آیین دادرسی کیفری جدید، در این ماده تغییراتی صورت گیرد و اقامه دعوا توسط اشخاص حقیقی در حوزه مصادیق جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی به صورت عام به رسمیت شناخته شود تا همه بتوانند اقامه دعوا نمایند؛ در تمامی مراحل دادرسی شرکت کنند و نسبت به آرای مراجع قضایی اعتراض کنند. دلیل این امر، آن است که سازمان‌هایی که در مصادیق جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی باید به‌عنوان شاکی خصوصی اقامه دعوا کند، زیرمجموعه دولت است و احتمالاً از جرایم دولت، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی چشم‌پوشی می‌کند و حتی اگر اعلام جرم نماید، در مراحل دادرسی بعدی با قدرت چانه زنی دولت مواجه می‌شود و مطمئناً در مقابل قدرت دولت، نمی‌تواند مقاومت کند و دادستان هم با توجه به این‌که مصادیق این

جرایم جرم عمومی است و احتمالاً پرونده‌هایی را در این زمینه پیگیری کند، به علت اطلاع پیدا نکردن از خیلی از جرایم در این حوزه، و همچنین به علت حجم پرونده‌های زیاد در حال بررسی، عملاً نمی‌تواند کار را با سرعت به پیش ببرد. بنابراین، بهترین راه حل به رسمیت شناختن اقامه دعوا در این حوزه توسط اشخاص حقیقی مطلع از جرم است که معمولاً از انگیزه زیادی برخوردار هستند.

منابع

۱. کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد: ضمان قهری، جلد اول و دوم، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۲، شماره ۵۵
۲. کلارکسون، سی.ام. وی، (۱۳۷۴)، تحلیل مبانی حقوق جزا، حسین میر محمد صادقی، چاپ دوم، تهران، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
۳. امامی، محمد و استوار سنگری کوروش، حقوق اداری، جلد اول، تهران، نشر میزان، چاپ چاردهم، ۱۳۹۰، صص ۳۳-۳۲
۴. زارعی، محمد حسین، جزوه حقوق اداری، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶ریال صص ۴-۵
۵. آموزگار، مرتضی (۱۳۸۵)، تعقیب کیفری و انتظامی پزشکی مقصر، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۶. دبیری، فرهاد (۱۳۸۳)، مجموعه قوانین و مقررات محیط زیست، تهران، نشر سازمان حفاظت محیط زیست.
۷. زراعت، عباس (۱۳۸۳)، شرح قانون مجازات اسلامی - بخش تعزیرات جلد سوم، تهران، نشر ققنوس.
۸. عبدالحی، اسماعیل (۱۳۸۹)، درسهایی از فلسفه کیفری، تهران، چاپاول، نشرخرسندی.
۹. قاسمی، ناصر (۱۳۹۱)، حقوق کیفری محیط زیست، تهران، نشر جمال الحق.
۱۰. نوربها، رضا (۱۳۹۰)، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، نشر گنج دانش.

۱۱. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۳)، حقوق کیفری اختصاصی «جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی»، تهران، چاپ بیست و هشتم، نشر میزان.
۱۲. نجاتی، مهدی (۱۳۷۹)، مسئولیت پزشک در فقه و حقوق کیفری ایران، تهران، انتشارات خرسندی.
۱۳. زرگوش، مشتاق (۱۳۸۸)، مقاله تقصیر در مسئولیت مدنی دولت، مقاله تحلیلی تطبیقی، مجله تحقیقات حقوقی، دو فصلنامه علمی پژوهشی، شماره ۴۹
۱۴. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، *تقریرات جامعه شناسی جنایی*، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا، نیم سال دوم، سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳
۱۵. احدی، فاطمه (۱۳۸۹)، مفهوم و مبانی و قلمرو جرایم با مسئولیت مطلق، فصلنامه علمی پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال دوم، شماره ۵.
۱۶. انصاری، باقر (۱۳۸۳)، مطالعه تطبیقی حقوق حاکم بر محیط زیست آبی در حقوق موضوعه ایران» مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران، مجله برگزیتون، شماره ۱۰۴-۱۰۳.
۱۷. شاه چراغ، سیدحمید (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی مسئولیت مطلق کیفری در حقوق ایران با نگرشی بر نظام حقوقی کامن لا، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۷.
۱۸. فرخزاد، بنت الهدی، شجاع پوریان، سیاوش، عطاشنه، منصور (۱۳۹۰) بررسی چالشهای زیست محیطی (از دیدگاه) حقوق کیفری ایران، پنجمین همایش ملی بحرانهای زیست محیطی ایران و راهکارهای بهبود آنها ۱۴ و ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۰، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات خوزستان.
۱۹. میلانی، علیرضا، عبدالکریمی، مصطفی (۱۳۹۴)، درآمدی بر مسئولیت کیفری بدون تقصیر، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره یکم، شماره ۱.

مسئولیت کیفری مطلق در جرایم تهدیدکننده بهداشت عمومی ◇ ۱۲۵

۲۰. نجات، سید امین، دبیری، فرهاد (۱۳۹۲)، بررسی چالشهای کیفری ناشی از اجرای ماده ۶۸۸(۹۱۴) قانون مجازات اسلامی، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره هفتم، شماره ۲.

۲۱. نعیمی، لیلا (۱۳۸۲)، مسئولیت کیفری اطفال از دیدگاه مکاتب مختلف، فصلنامه ندای صادق، سال هشتم، شماره ۳

۲۲. Hunt, Martin, *A Laval and AS Level Law*, Majd, Tehran, ۲۰۰۰.

۲۳. Lamond, Grant, What is a crime? *Oxford Journal of Legal Studies*, VOL. ۲۷, NO. ۴, ۲۰۰۷.

۲۴. Murphy, Cameron and Liam Burges, Submission of the New South Wales Council for Civil Liberties to the NSW Legislation Review Committee Inquiry into strict and absolute liability, www.nswccl.org.au, august ۲۰۰۶.

۲۴. Russell, Heaton, *Criminal Law*, Oxford University Press, New York, ۲۰۰۶.

۲۵. Stanton, John, *Strict Liability: stigma and regret*, Oxford Journal of legal studies, VOL.۲۷, NO.۱, ۲۰۰۷.

۲۶. Verdun, Jones and Simon Nicholas, *Criminal Law in Canada*, Harcourt Brace Jovanovich Canada Inc., Toronto, ۱۹۸۹

